

دبیاچه از حقوق جنایی تا علوم جنایی

در دانشکده‌های حقوق دنیا مرسوم است که استادان برجسته، به لحاظ علمی و اخلاقی و نیز به جهت نقش و تأثیر خاصی که در طول حیات دانشگاهی‌شان در گسترش رشته تخصصی خود داشته‌اند، مورد تجلیل همکاران و دانشجویان سابق، در قالب یادنامه و نکوداشتنامه¹، قرار می‌گیرند. این مهم معمولاً به دو شیوه انجام می‌شود: شیوه اول، گزینش، تنظیم و انتشار آثار برجسته استاد مورد نظر به عنوان شاخص حیات علمی او، در قالب یک یا چند مجلد، توسط همکاران است؛ شیوه دوم، نگارش مقاله‌هایی در قلمرو تخصصی استاد و رشته‌های وابسته به آن و اهدای آنها در قالب یک یا چند مجلد به آن استاد است. همکاران محترم استاد محمد آشوری روش دوم را برگزیده‌اند و آثاری را که به مناسبت نکوداشت وی تهیه، تنظیم و تدوین کرده‌اند در اثر حاضر، علوم جنایی، به او تقدیم می‌کنند. وظیفه سنگین نگارش دبیاچه این اثر به کسی واگذار شده است که قبل از اینکه افتخار دوستی و سپس همکاری با استاد آشوری نصیبش شود، در آغاز دهه ۵۰ خورشیدی، دانشجوی او در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بوده است. در انجام این وظیفه، نگارنده بنا دارد علوم جنایی و تحولات و شاخه‌های مختلف آن را، بدون این که در مقام بحث تفصیلی درباره این علوم باشد، و نیز علوم جنایی اهدایی به استاد آشوری را به طور گذرا مرور، تبیین و معرفی کند.

1. این یادنامه‌ها و نکوداشت‌نامه‌ها معمولاً با یک عنوان کلی که از نظر موضوعی دربرگیرنده مقاله‌های تقدیمی و نیز گرایش علمی غالب استاد است در کشورهای انگلیسی‌زبان با عنوان Essays in Honor of ... (جستارهایی به افتخار ...) و در کشورهای فرانسه‌زبان با عنوان Recueil d'études en hommage à ... (مجموعه مطالعات / مقالات در بزرگداشت ...) یا Mélanges offerts à ... (مقاله‌های اهدایی به، مطالعاتی به افتخار ...) و در کشورهای آلمانی‌زبان با عنوان Festschrift für ... (جشن‌نامه ...) چاپ و منتشر می‌شود.

حقوق جنایی یا حقوق کیفری^۱، بنا بر جایگاهی که در قانون‌نامه‌های مختلف بین‌النهرین (میان‌رودان) باستان به جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده شده است، از قدیم‌ترین شعبه‌های حقوق محسوب می‌شود. بدین‌سان، انسانهای باستان برای پاسداری از ارزشها و باورهای اساسی فردی و جمعی عصر خود به تهدید جزایی متوسل می‌شدند؛ چنانکه در قانون‌نامه (کُد) / اُور - نمو (مربوط به حدود ۲۱۰۰ قبل از میلاد) که به اعتقاد مورخان حقوق قدیم‌ترین مجموعه مقررات شناسایی و ترجمه‌شده تا این لحظه است ۱۶ ماده (بند یا پاراگراف) از ۳۷ ماده آن جنبه کیفری دارد؛ قانون‌نامه لیبیت - ایشتار (مربوط به حدود ۱۹۳۰ ق م) از ۳۸ ماده ۱۲ ماده خود را به جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده است؛ قانون‌نامه / شِنونا (مربوط به حدود ۱۷۷۰ ق م) در ۲۳ ماده از کل ۶۰ ماده خود مقررات کیفری را گنجانده است^۲؛ قانون‌نامه حمورابی (حدود ۱۷۵۰ ق م) که از نظر قدمت چهارمین کُد و از نظر میزان مقررات (۲۸۲ ماده) مفصل‌ترین مجموعه قوانین بین‌النهرین باستان محسوب می‌شود، حدود ۹۰ ماده را به مسائل کیفری اختصاص داده است^۳؛ و سرانجام قانون‌نامه هیتی‌ها (متن یا روایت اولیه آن به حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ ق م و روایت یا متن جدید آن به حدود ۱۵۰۰ تا ۱۱۸۰ ق م باز می‌گردد) که بعد از قوانین

1. گفتنی است که عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که خصوصیت تریبی و تریلی و به طور کلی قهرآمیز بودن ضمانت اجرای معمول در حقوق جزایی است که وجه مشخصه این رشته حقوقی محسوب می‌شود و بدین جهت بهتر است عنوان حقوق کیفری را به کار برد. عده‌ای دیگر معتقدند که، با توجه به لغو کیفرهای بدنی و استفاده از مجازات اجتماعی و ضمانت‌اجراهای اداری در امور جزایی، وجه مشخصه پیش‌گفته تا اندازه زیادی تعدیل شده است، و بنابراین اطلاق حقوق جنایی به این رشته توجیهی بیشتر دارد. زیرا رسالت این رشته حمایت از ارزشها و مصالح اجتماعی اساسی با جرم‌انگاری موارد نقض و تجاوز به آنهاست، در نتیجه، وجه مشخصه حقوق جزایی موضوع دیگر آن یعنی جنایت (جرم) است. صرف‌نظر از این اختلاف‌نظرها، که بحث تفصیلی آن در حوصله این دیباچه نیست، ما حقوق کیفری / حقوق جزایی و حقوق جنایی را به طور مترادف به کار می‌بریم.
2. بنگرید به: بادامچی، حسین (به کوشش) تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان، آغاز قانون‌گذاری، طرح نو، چاپ نخست، ۱۳۸۲، به ترتیب صفحات ۳۴-۴۷، ۵۵-۵۰ و ۶۵-۷۲.
3. بنگرید به: کرمی، محمدباقر، مقدمه‌ای بر نظام کیفری ایران باستان، خط سوم، چاپ نخست، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳-۱۵۳.

حمورابی، مفصل‌ترین مجموعه مقررات (۲۰۰ ماده) است، حدود ۸۰ ماده مربوط به مسائل کیفری دارد.^۱ قدمت و جایگاه ویژه مقررات کیفری در تاریخ حقوق نشان می‌دهد که اجتماعات بشری از دیرباز حقوق کیفری را به عنوان حربه‌ای برای حفظ انسجام و استقرار نظم اجتماعی خود به کار می‌گرفتند. بی‌تردید، به همین جهت است که به رغم پیشگویی بعضی از فیلسوفان، همچون ایرینگ (Ihering) در اواخر سده نوزدهم، مبنی بر اینکه «تاریخ کیفر در تاریخ لغو مستمر آن خلاصه می‌شود»^۲، حقوق کیفری نه تنها به حیات خود ادامه داد، بلکه در پرتو تحولات اقتصادی، سیاسی، فلسفی، علمی، فنی و ... قلمرو آن، از یک سو با جرم‌انگاریهای جدید و از سوی دیگر، با شیوه‌های نوین کنترل و مقابله جرم گسترش یافت و ضابطه‌مند شد. تعامل حقوق کیفری با روشها و آورده‌های رشته‌های تخصصی علوم انسانی و علوم محض که در بستر اختراعات، اکتشافات و مکاتب فکری - علمی از اوایل سده نوزدهم میلادی به تدریج به وجود آمدند موجب شد تا شخصیت و حقوق بزهکار و بزه‌دیده، چگونگی رفتار با آنها و اقدامهای کنشی و واکنشی غیر قهرآمیز در قبال بزهکاری نیز مورد توجه قرار گیرد و بدین‌سان مفاهیم و ملاحظات جدیدی در ارتباط با پدیده مجرمانه وارد حقوق کیفری شود.

۲

از آنجا که مسائل مربوط به چگونگی جرم‌انگاری، نحوه و شکل‌های مختلف پاسخ‌دهی به جرم، مطالعه تکوین جرم، شخصیت بزهکار، چگونگی اعمال مجازات‌ها و ... نمی‌توانست صرفاً در حوزه نظام کیفری به معنای خاص بررسی شود، و از همه مهم‌تر، علی‌رغم استفاده و اعمال مجازات‌های شدید، نظام کیفری نتوانسته بود سیر صعودی منحنی بزهکاری را متوقف کند، بنابراین از اوایل سده نوزدهم رشته‌های جدیدی که هر یک با رویکرد و روش خاص خود پدیده مجرمانه را مطالعه و با آن رفتار می‌کنند، متولد و به صفت جنایی و یا کیفری متصف شدند (آیین دادرسی کیفری، پلیس جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، سیاست جنایی و ...) یا عنوان مستقلی برای آنها ابداع شد

1. بنگرید به: اکبری رومنی، فرناز، <درآمدی به قوانین هیتی>، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۱، ۱۳۷۹، ص ۹۱-۱۲۲.

2. Stéfani, G., Levasseur, G., *Droit pénal général*, Dalloz, 8ème édition, 1975, p. 32.

(جرم‌شناسی، کیفرشناسی، بزه‌دیده‌شناسی، پلیس فنی یا علمی، جامعه‌شناسی کیفری و ...) رشته‌های مطالعاتی (دیسپلین‌های) مرتبط با پدیده مجرمانه، در ادامه گسترش خود، در سطح جهانی نیز صاحب تربیونهای علمی شدند که هر یک از آنها رسالت خود را توسعه دادند و گسترش این علوم و آورده‌های جدید آن را در سطح داخلی و بین‌المللی تعریف کردند: از قبیل انجمن بین‌المللی حقوق کیفری (۱۹۲۴)، جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی (۱۹۳۸)، جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی (۱۹۴۹)، بنیاد بین‌المللی کیفری و زندانها (۱۹۵۰)^۱ و جامعه بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی (۱۹۷۹)^۲.

دکترین به نوبه خود مجموعه رشته‌های تخصصی مرتبط با پدیده مجرمانه را معمولاً زیر عنوان علوم جنایی (کیفری) گردآوری کرده و مطالعه می‌کند، چنانکه هر یک از آنها در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده‌های حقوق در قالب گرایشهای مختلف تدریس می‌شود. رشته‌های تشکیل‌دهنده علوم جنایی دارای خاستگاه و محتوای مختلف است، اما جملگی آنها موضوع مشترکی دارند که شامل پیشگیری از جرم، سرکوبی جرم و به طور کلی رفتار انسان‌مدار از سوی جامعه با کُنشگران جرم یعنی بزهکار و بزه‌دیده است. به همین جهت است که امروزه علوم جنایی نه تنها در میان رشته‌های تخصصی حقوقی، بلکه در جنبه‌های روزانه حیات اجتماعی نیز از سه نظر واجد اهمیت زیادی شده است:^۳ (۱) از نظر تئوری، علوم جنایی در مرکز مسائل اساسی‌ای قرار دارد که تمدن کنونی بشر بنا بر نوسانات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از آنها می‌گذرد: حق حیات، حق کرامت، حق آزادی، حق برابری، حق متفاوت بودن و ... مسائل مربوط به حقوق بشر به طور کلی و حقوق افراد به طور خاص موجب جرح و تعدیل و حتی تجدید روشهای معمول در علوم جنایی شده است؛ علوم جنایی مانع از آن می‌شوند که دولتها به

1. بنگرید به: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آسوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۲۳-۴۲؛ اُنُف، زنالد، نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۳-۱۴، ۱۳۷۲-۱۳۷۳، ص ۵۵۳-۵۷۶.

2. Cf. www.fh-niederrhein.de.

3. Cario, R., *Introduction aux sciences criminelles*, L' Harmattan, 3ème édition, 2001, pp. 19-23.

ط
خودسرانه با پدیده مجرمانه برخورد و از آن برای سرکوب مخالفان در جهت منافع خود استفاده ابزاری کنند؛ بدین سان است که امروزه برآورد کارنامه اعمال دولتها در سطح داخلی و بین‌المللی، از طریق چگونگی استفاده آنها از علوم جنایی در مقابله با جرم و رفتار با بزه‌کاران و بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد؛ (۲) از نظر عملی، اهمیت علوم جنایی از لابه‌لای جرم‌انگاریها، یعنی ممنوع کردن کیفری رفتارها و اعمال جدید، اندازه‌گیری می‌شود؛ هر چه تعداد این قبیل رفتارها و اعمال بیشتر شود به همان میزان احتمال رویارویی شهروندان، چه به عنوان بزه‌کار و چه به عنوان بزه‌دیده (شاکی)، با عدالت کیفری زیاد می‌شود و به همان اندازه هزینه‌های مختلف جامعه در ارتباط با بزه‌کاری افزایش پیدا می‌کند. بدین سان است که تورم کیفری، یعنی فزونی جرایم در قانون، اصل کلاسیک <چهل به قانون مسموع نیست یا چهل به قانون رافع مسئولیت نیست> را تا اندازه زیادی متزلزل ساخته است؛ (۳) و سرانجام از نظر انسانی، باید از یک سو، به شخصیت بزه‌کار که در مرکز دل‌نگرانیهای قانون‌گذار، کارگزاران عدالت کیفری و به ویژه قاضی از جهت متناسب کردن کیفر با خصایص شخصیتی او قرار دارد اشاره کرد و از سوی دیگر، از تخصصی و حتی حرفه‌ای شدن مشاغل یاد کرد که در مراحل مختلف فرایند کیفری و پیشگیری از جرم مداخله می‌کنند و بالأخره جایگاهی را که بزه‌دیدگان و به طور کلی قربانیان بزه‌کاری در علوم جنایی، از نظر شرکت در فرایند کیفری، بازپروری و حمایت کیفری و غیر کیفری متناسب کسب کرده‌اند، مورد تأکید قرار داد.

۳

تنوع رشته‌های تخصصی تشکیل‌دهنده علوم جنایی موجب شده است تا دانشمندان و پژوهشگران مربوط، برای سهولت امر آموزش، کارهای پژوهشی و تحصیلات تخصصی دانشگاهی، به طبقه‌بندیهای مختلفی از نظر رشته‌های اصلی و فرعی آن اقدام کنند. استاد پی‌یر بوزا و استاد ژان پیناتل علوم جنایی را به علوم حقوقی کیفری (حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی و...)، علوم جرم‌شناختی (جرم‌شناسی و علم مدیریت زندانها) و علوم جرم‌یابی (روشهای کشف جرم و شناسایی

نه

مجرمان مانند تن‌پیمایی، پزشکی قانونی، پلیس علمی، سم‌شناسی، اسلحه‌شناسی و ... تقسیم می‌کنند و دو دسته اخیر را به عنوان علوم مُعین علوم حقوقی کیفری تعریف کرده‌اند.^۱ این دو استاد معتقدند که مطالعه روابط حقوق کیفری و جرم‌شناسی می‌تواند موضوع رشته مطالعاتی بینابینی، یعنی سیاست جنایی، واقع شود که در آن حقوقدان و جرم‌شناس می‌توانند همدیگر را ملاقات کنند. استادان استفانی و لواسور، به نوبه خود، از علوم جرم‌یابی که بیشتر از علوم طبیعی تشکیل شده‌اند، علوم جرم‌شناختی که از آورده‌ها و روشهای پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و ... به وجود آمده و بهره می‌برند و علوم حقوقی کیفری شامل حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی، آیین دادرسی کیفری، علم مدیریت زندانها و حقوق اعمال و اجرای مجازاتها یاد کرده‌اند.^۲ به نظر استاد ژان - ماری اُسل، علوم جنایی از ترکیب علوم جرم‌یابی و علوم جرم‌شناختی به وجود آمده است. او آن دسته از رشته‌های مطالعاتی حقوقی را که جنبه کیفری - جنایی دارند زیر عنوان علوم حقوقی کیفری مطالعه کرده و علوم جرم‌یابی را که به عدالت کیفری در کشف جرایم، جستجو و شناسایی بزهکاران کمک می‌کند علوم مُعین علوم کیفری می‌داند.^۳ استاد سویسی، مارتن کیلیاس نیز حقوق کیفری و رشته‌های حقوقی مرتبط با آن را جزو علوم حقوقی و علوم جرم‌یابی و علوم جرم‌شناختی را زیرمجموعه علوم جنایی قلمداد می‌کند.^۴ به این ترتیب وجه مشترک تقسیم‌بندیهای پیش‌گفته در این است که حقوق کیفری و رشته‌های وابسته را که جنبه نورماتیو (قاعدہ‌مند) دارند از علوم جنایی که بیشتر جنبه علمی - تجربی دارد و در چهارچوب بهنجارهای (نورمالیته) اجتماعی قرار می‌گیرند تفکیک می‌کنند.

اما مؤلفین دیگری هستند که علوم جنایی را جامع همه رشته‌های تخصصی مطالعاتی‌ای می‌دانند که موضوع مشترکشان پدیده حقوقی جرم است. استاد ژان - ایو لاسال در یک تقسیم‌بندی جامع، علوم جنایی را به: علوم جنایی حقوقی (حقوق

1. Bouzat, P., Pinatel, J. *Traité de droit pénal et de criminologie*, Dalloz, 2ème édition 1970, Tome I, pp. 13-16.

2. Stéfani, G., Levasseur, G., *op. cit.*, pp. 37-40.

3. Aussel, J.-M., "L'évolution des rapports du droit criminel et des sciences criminelles en France depuis 1950", in *Études dédiées à Alex Weill*, Dalloz-Litec, 1983, pp. 20-21.

4. Killias, M., *Précis de criminologie*, Ed. Staempfli, 1991, pp. 17-18.

شانزده

جنایی، آیین دادرسی کیفری، حقوق کیفری اختصاصی، حقوق کیفری بین‌الملل، حقوق کیفری تطبیقی، تاریخ حقوق کیفری و...، علوم جنایی تجربی (از یک سو شامل علوم جنایی

اثباتی، یعنی در واقع علوم جرم‌یابی و از سوی دیگر علوم تفسیری - تحلیلی، یعنی جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری و...)، فلسفه کیفری و سیاست جنایی تقسیم کرده است^۱ (بنگرید به نمودار). استاد روبر کارویو، علوم جنایی را در شش شعبه یا شاخه کلی از هم تفکیک کرده است^۲: ۱) فلسفه جنایی شامل فلسفه کیفری و کیفرشناسی (رشته‌هایی که یک موضوع واحد دارند: تعیین و تعریف ارزشهای اجتماعی و فرهنگی بنیان‌گذار توازن اجتماعی (جرم‌انگاریها) و توجیه اشکال مختلف واکنش اجتماعی در قبال نقض آنها)، ۲) جرم‌شناسی شامل جرم‌شناسی عمومی یا نظری و جرم‌شناسی بالینی یا کاربردی، ۳) سیاست جنایی، ۴) حقوق جنایی شامل حقوق جنایی بنیادی (حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی) و حقوق جنایی کاربردی یا

1. لاسال، ژان-ایو، <تحولات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه>، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱-۳۲، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳-۲۴۸.

2. برای تفصیل بحث بنگرید به: Cario, R., *op. cit.*, pp. 167-210.

3. گفتنی است که استاد ریمون گسن جرم‌شناسی کاربردی را به جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیکهای کیفری، جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی پیشگیرانه تقسیم کرده است. برای تفصیل بنگرید به: Gassin, R., *Criminologie*, Dalloz, 5ème édition 2003, pp. 517-703.

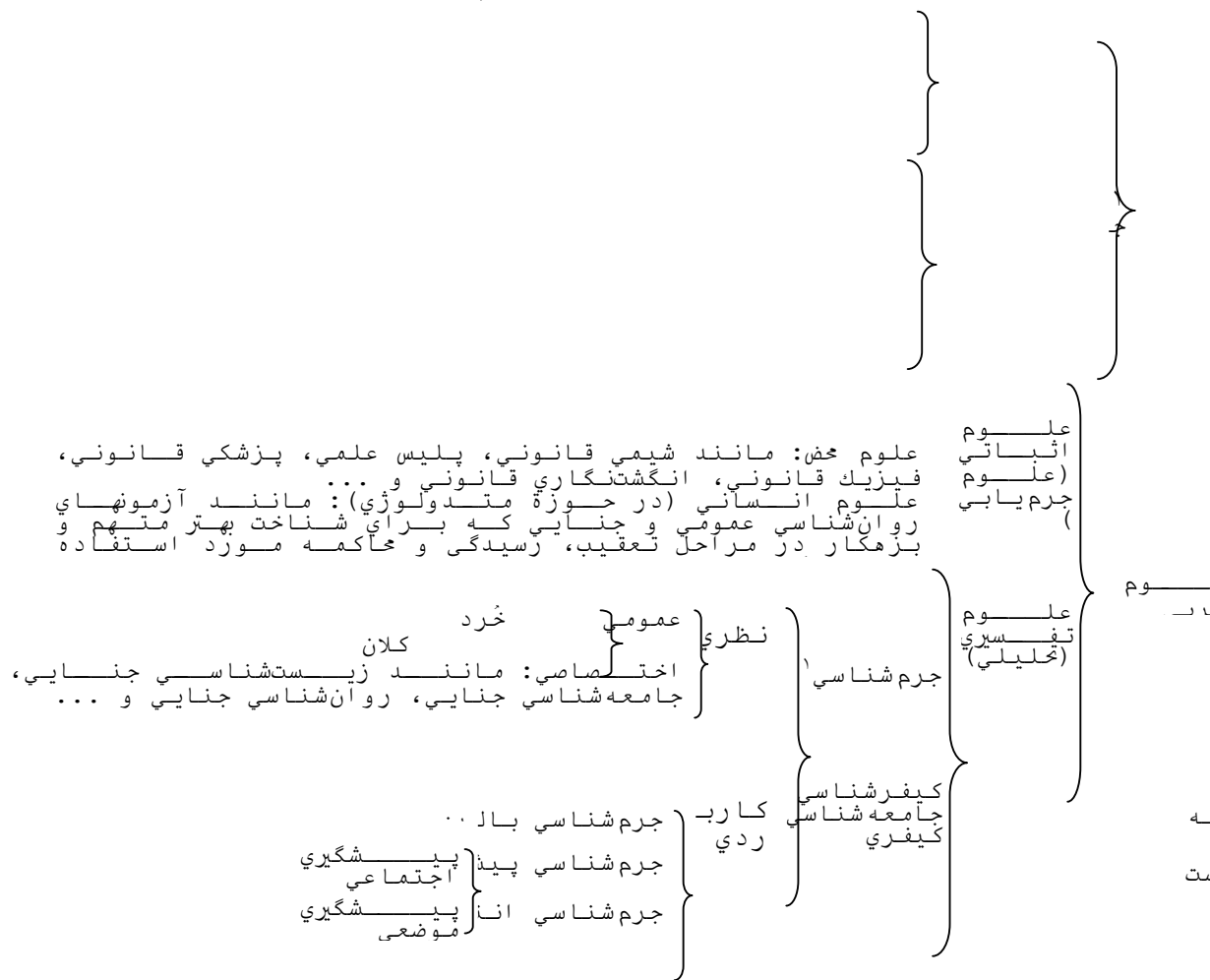
4. گفتنی است که استاد کریستین لازرژ معتقد است که سیاست جنایی بیشتر در قلمرو علوم سیاسی قرار می‌گیرد زیرا <سیاست جنایی تأمل معرفت‌شناسانه درباره پدیده مجرمانه، تحلیل و درک پدیده مجرمانه و وسایل و امکانات به اجرا گذاشته شده به منظور مبارزه علیه رفتارهای منحرفانه و بزهکارانه است؛ سیاست جنایی راهبرد حقوقی و اجتماعی مبتنی بر گزینه‌های عقیدتی برای پاسخگویی واقع‌بینانه به مسائل ناشی از پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه در معنای جامعه‌شناختی آن نیز است>:

Ch. Lazerges, "L'enseignement de la politique criminelle en troisième cycle", in Ch. Lazerges (dir), *L'enseignement des sciences criminelles aujourd'hui*, Ed. Ères, 1991, p. 77.

کریستین، درآمدهی به سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۴۱-۴۲.

یازده

آیین دادرسی کیفری یا حقوق قضایی کیفری، ۵) جرم‌یابی و سرانجام ۶) بزه‌دیده‌شناسی شامل بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یعنی خسارت‌زدایی از بزه‌دیده و مصالحه و سازش دادن کنشگران جرم از (بزه‌دیده، بزهکار و جامعه).



علمی و بزهکاری (و ناسازگاری) اطفال و نوجوانان

چهار

شانزده

علوم جنایی در سطح دوره‌های آموزشی دانشگاهی نیز بر حسب رویکرد برنامه‌ریزان و گروههای آموزشی هر دانشگاه نسبت به این علوم به طور متفاوت برنامه‌ریزی شده است. به عنوان نمونه، در فرانسه، مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه پاریس دو دوره آموزشی را که مدت هر یک شش ماه است و منجر به اعطای مدرک تحصیلی *گواهینامه* می‌شود برنامه‌ریزی کرده است: ۱) *گواهینامه علوم جرم‌شناختی* مشتمل بر: درآمدی به علوم انسانی، جرم‌شناسی و علم مدیریت زندانها، بزهکاری اطفال و کودکی (اطفال) در معرض خطر، روان‌پزشکی عمومی، روان‌شناسی - جامعه‌شناسی، فلسفه کیفری، تاریخ اندیشه‌ها و آموزه‌های بزرگ جرم‌شناسی، روان‌پزشکی جنایی، روان - آسیب‌شناسی زندان، روان‌شناسی جنایی، روان - آسیب‌شناسی طفل و نوجوان: پویایی آن، تحلیل جنایی روان‌شناختی و رفتاری؛ ۲) *گواهینامه علوم جنایی* که در واقع مرکب از رشته‌های تخصصی علوم حقوقی کیفری و علوم جرم‌یابی است: درآمدی به حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری، حقوق کیفری اختصاصی، رویه و عملکرد قضایی، فلسفه کیفری، اصلاح بزهکاران بزرگسال، پلیس علمی و فنی، سیاست کیفری، پزشکی قانونی، حقوق کیفری بازرگانی و معاملات. بدین سان، فلسفه کیفری به عنوان یک ماده درسی پایه در هر دو دوره پیش‌بینی شده است. مؤسسه علوم جنایی دانشگاه پواتیه با برگزاری یک دوره آموزشی در حد *گواهینامه علوم جنایی*، رشته‌های تخصصی علوم حقوقی جنایی (کیفری)، علوم جرم‌شناختی و علوم جرم‌یابی را با هم زیر عنوان عمومی علوم جنایی ارائه می‌کند: آشنایی با حقوق، حقوق کیفری عمومی و آیین دادرسی، جرم‌شناسی، پلیس علمی، پزشکی قانونی، روان‌پزشکی جنایی، حقوق صغار، حقوق کیفری اختصاصی، حقوق کیفری بازرگانی و معاملات، حقوق اجرا و اعمال مجازاتها و حقوق کیفری بین‌المللی. مؤسسه علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه اِکس - مارتی دوره تحصیلی‌ای را تدارک دیده است که به اعطای مدرک دانشنامه (دیپلم) علوم جزایی و جرم‌شناسی منتهی می‌شود. در چهارچوب این عنوان، مواد درسی حقوقی، جرم‌شناختی و جرم‌یابی در کنار هم ارائه و تدریس می‌شود: حقوق کیفری عمومی، آیین دادرسی کیفری، درآمدی به جرم‌شناسی و جرم‌شناسی نظری، روان‌پزشکی، بزهکاری اطفال، حقوق کیفری اختصاصی، علوم جرم‌یابی، پزشکی قانونی،

پانزده

جامعه‌شناسی کیفری، کیفرشناسی، جرم‌شناسی اختصاصی و جرم‌شناسی کاربردی. مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران^۱، که عنوان آن مشابه با عنوان مؤسسه دانشگاه اِکس - ماری است نیز طرح‌های پژوهشی مختلفی را به ویژه از آغاز دهه ۷۰ با روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای اجرا کرده است که در واقع جنبه‌های مختلف حقوقی کیفری، جرم‌شناختی، جرم‌یابی و... داشته‌اند.^۲

۵

بدین‌سان، رویکرد استادان و گروه‌های آموزشی دانشکده‌های حقوق نسبت به چگونگی تقسیم‌بندی رشته‌های تخصصی علوم جنایی، و به ویژه در مورد اینکه آیا حقوق جنایی و رشته‌های وابسته داخلی، تطبیقی، بین‌المللی و تاریخی آن زیر این عنوان می‌گنجد یا خیر متکثر است. این تعدد رویکرد بی‌تردید ناشی از تفاوت‌گرایش تخصصی غالب مؤلفین در زمینه جنایی است. بنابراین، اگر قاعده‌مندی یا هنجارمندی را به عنوان معیار در تفکیک رشته‌های تخصصی مرتبط با پدیده مجرمانه در نظر بگیریم، به تعبیر ما، می‌توان علوم جنایی را با الهام از طبقه‌بندی استاد لاسال در سه شاخه علوم جنایی حقوقی، علوم جنایی پیرا حقوقی (علوم تحلیلی - تفسیری و علوم اثباتی - جرم‌یابی) و علوم جنایی بینابین (فلسفه کیفری و سیاست جنایی) تقسیم و مطالعه کرد. چهارچوب مطالعه و اقدام هر سه شاخه را قانون‌گذار با تعریف جرم و تعیین مصادیق آن مشخص می‌کند (وجه مشترک اصلی)، اما هر یک از این علوم به اقتضای کارکرد خود با روش و زاویه مطالعاتی خاصی پدیده مجرمانه، تبعات و ملحقات آن را بررسی می‌کنند (وجه افتراق اصلی) و در هر حال در میان‌کنش با یکدیگر متحول شده و مؤثر واقع می‌شوند (وابستگی متقابل) و بدین ترتیب عقلانیت و راهبرد ناظر به جرم‌انگاری، پیشگیری و سرکوبی جرم را نیز متحول و پویا می‌سازند.

1. در مورد تاریخچه این مؤسسه بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه جرم‌شناسی در ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹-۱۲۱.

2. به عنوان نمونه: مهاجرت و جرم در حوزه قضایی کرج، بررسی سرقت اطفال و نوجوانان در تهران بزرگ، بررسی وضعیت کودکان خیابانی در مشهد، سیاست جنایی جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، فرار دختران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت و ...

شانزده

اگر چه آموزش همه رشته‌های علوم جنایی در دوره‌های کارشناسی حقوق، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی در قالب مواد درسی اصلی و فرعی (اختیاری) پیش‌بینی و تدریس می‌شود، لیکن دانشکده‌های حقوق در عمل بیشتر به علوم جنایی حقوقی یعنی حقوق کیفری عمومی^۱، اختصاصی و آیین دادرسی بها می‌دهند و نهادهای دانشگاهی،

۱. گفتنی است که دیوان اروپایی حقوق بشر به مناسبت سه رأی صادره در تاریخهای ۸ ژوئن ۱۹۷۶، ۲۱ فوریه ۱۹۸۴ و ۲۵ اوت ۱۹۷۸، اصطلاح یا مفهوم موضوعهای کیفری یا قلمرو کیفری (Matière pénale/criminal matters) را که حوزه‌ای وسیع‌تر از قلمرو حقوق کیفری را شامل می‌شود به کار برده است. مفاد این آراء اکنون به یک رویه قضایی اروپایی تبدیل شده است و با عنوان «قلمرو یا موضوعهای کیفری» در دوره‌های کارشناسی ارشد در قالب حقوق کیفری اروپا تدریس می‌شود. به موجب این رویه، اگر چه «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر به دولتهای عضو، در ایفای نقش نگهبانی و پاسداری از منفعت و مصلحت عمومی، بی‌تردید اجازه می‌دهد تا بین حقوق کیفری و حقوق انضباطی - انتظامی (یا اداری) تفکیک قائل شوند یا این تفکیک را حفظ و محدوده آن را نیز تعیین کنند»، معذک در این خصوص محدودی را برای حاکمیت این دولتها مشخص می‌کند؛ بدین معنی که اگر دولتها می‌توانستند به اختیار خود یک جرم / تخلف را به وصف انضباطی - انتظامی متصف کنند، تا وصف کیفری، یا مرتکب یک جرم / تخلف مختلط را ترجیحاً از حیث انضباطی تعقیب کنند تا از نظر کیفری، در آن صورت تشخیص اعمال ماده ۶ (شامل تضمینهای دادرسی عادلانه و به ویژه تضمین حقوق متهم) و ماده ۷ کنوانسیون (عطف به ما سبق نشدن قانون کیفری شدیدتر) به اختیار و اراده دولتهای عضو قرار می‌گرفت. چنین اختیار گسترده‌ای به دولتها، این خطر را به دنبال دارد که به نتایجی منجر بشود که با هدف و موضوع کنوانسیون مغایرت داشته باشد. بدین سان، دیوان صلاحیت دارد تا اطمینان حاصل کند که از نظر ماده ۶، امر یا موضوع انضباطی - انتظامی (یعنی تخلفاتی که ضمانت اجرای انضباطی، نظامی یا ماهیت غیر کیفری و یا ضمانت اجرای اداری دارند) بر امر یا موضوع کیفری (یعنی امری که در چهارچوب حقوق کیفری قرار می‌گیرد و بنابراین مشمول باید مواد ۶ و ۷ پیش گفته قرار گیرد) پیشی نگیرد و دولتهای عضو آن را به ناحق جزو قلمرو انضباطی - انتظامی تلقی نکنند. اندیشه ضمنی رویه قضایی اروپایی این است که رویه عملی دولتها مبنی بر استفاده از وصفها و ضمانت اجرای غیر کیفری، به منظور عدم اعمال مفاد حمایتی مواد ۶ و ۷ کنوانسیون را نسبت به متخلفان شناسایی کند. دیوان اروپایی حقوق بشر، با این هدف که دولتها از اتخاذ چنین رویه‌ای که در واقع «تقلب نسبت به مفاد کنوانسیون» محسوب می‌شود، اجتناب کنند، وصف «قلمرو کیفری» (در معنای ماده ۶ و تا اندازه‌ای ماده ۷ کنوانسیون) را نسبت به مقوله ضمانت اجرای سرکوبگر غیر کیفری، به ویژه ضمانت اجرای اداری، که دارای معیارهای خاصی باشند، تسری داد. بدین سان، «قلمرو کیفری» که در رویه قضایی اروپایی حاصل تعامل حقوق کیفری کلاسیک با مقوله‌های حقوق بشر است و جنبه حمایت از حقوق و آزادیهای افرادی را دارد که به مناسبت ارتکاب جرم یا تخلف باید محاکمه شوند، شامل ضمانت اجرای سرکوبگر غیر کیفری - به ویژه ضمانت اجرای اداری - نیز است. دولتها باید اصول دادرسی عادلانه و سایر اصول حمایتی آیین دادرسی کیفری را، با رعایت معیارها و تحت شرایطی، نسبت به مرتکبان تخلفاتی که ضمانت اجرای انتظامی - انضباطی دارند (مثل توقیف در پادگان بنا به حکم فرمانده یا یک کمیسیون یا انفصال از خدمات دولتی، ...) و در مراجع غیر قضایی محاکمه می‌شوند نیز -

علمی - قضایی - اجرایی - حقوقی نیز در مقام گزینش دانشجو، استاد، کارآموز قضایی، کارشناس حقوقی و کارآموز وکالت، به دانش داوطلبان در بعضی رشته‌های علوم جنایی حقوقی (تاریخ حقوق کیفری، حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری و ... تطبیقی) و نیز در زمینه علوم جنایی تجربی و فلسفه کیفری در حد مختصر هم بها نمی‌دهند. این امر یکی از دلایل عمده فقر آموزشی - پژوهشی رشته‌های مبنا و مادری چون فلسفه کیفری، تاریخ حقوق کیفری، جامعه‌شناسی کیفری، جرم‌شناسی، کیفرشناسی، سیاست جنایی و ... است.

۷

استاد آشوری که <علوم جنایی>، به پاس تلاش‌های آموزشی - پژوهشی، به نام ایشان تدوین و تنظیم شده و به او تقدیم می‌شود، در کنار تدریس آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی کیفری تطبیقی (از رشته‌های اصلی علوم جنایی حقوقی) به آموزش و پژوهش تاریخ حقوق کیفری و حقوق کیفری صغار (از رشته‌های فرعی علوم جنایی حقوقی)، و جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی، کیفرشناسی (از رشته‌های علوم جنایی تجربی) نیز در حیات دانشگاهی خود توجه خاصی داشته و در پیشبرد آنها به عنوان استاد، (مدرس) استاد راهنما و مجری و یا ناظر طرح‌های پژوهشی تلاش کرده است. این موضوع به نوبه خود مورد عنایت همکاران محترم این استاد بوده است که مراتب تجلیل و قدردانی خود را با نگارش مقاله و اهداء آن به <علوم جنایی>، یعنی *نکوداشت‌نامه استاد محمد آشوری*، ابراز داشته‌اند؛ چنانکه سی و سه نوشتار حاضر که در پنج فصل توزیع شده شامل از یک سو، همه رشته‌های آموزشی و قلمروهای پژوهشی تشکیل دهنده گرایش تخصصی استاد، به طور خاص و فراتر از آن و از سوی دیگر، اغلب رشته‌های تشکیل دهنده علوم جنایی، به طور کلی است.

۸

چاپ و نشر علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری

→ اعمال کنند. برای تفصیل بیشتر بنگرید به: Delmas-Marty, M., "Réflexions sur la matière pénale" in Ch. Lazerges (dir); *L'enseignement des sciences criminelles aujourd'hui*, Ères, 1991, pp. 15-30; نیز، دلماس - مارتی، می‌ری، *نظامهای بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد نخست، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۴۹-۵۸.

در واقع حاصل حمایتها، تلاشها و پی گیریهای انگیزه مند به ویژه جناب آقای دکتر مرقیاتی، معاون محترم سازمان سمت و همکاران محترمشان از یک سو و جناب آقای محمد صدر توحیدخانه، دانشجوی پژوهشگر کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع)، از سوی دیگر و بالأخره همت علمی - معنوی همکاران محترم جناب آقای دکتر آشوری است که با نگارش مقالات وزین این مجموعه به سهم خود ادبیات فارسی در زمینه علوم جنایی را نیز غنی کردند.

امید است نکوداشت استادان دانشمند و متخلق حقوق - که در ایران برای نخستین بار حدود سی و پنج سال پیش، به مناسبت بزرگداشت شادروان استاد حسن امامی انجام شد^۱، لیکن تا به امروز متوقف ماند - با علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری به یک سنت پایدار در دانشکده های حقوق ایران تبدیل شود و بدین سان، در آینده نیز شاهد تجلیل از سایر استادان گرانسنگ گروه های حقوق کیفری و جرم شناسی باشیم.

علی حسین نجفی ابرندآبادی

دبیر علمی نکوداشت

تهران، آدینه ۱۵ آبان ۱۳۸۳ خورشیدی

1. کاتوزیان، ناصر (زیر نظر)، تحولات حقوق خصوصی، مجموعه مقالات اهدایی به استاد حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ۴۳۰ صفحه (۱۵ مقاله).